

# صاحب اختیار و مستفید



## خانوادگی پرورش و تربیت جدید

### ترجمه دکتر آصفه آصفی استاد دانشگاه تربیت معلم

قدرتی مداوم برآنان تحمیل نشود احساس مسئولیت نمیکنند منطبق گردیده و یا برعکس به کودکانی متوجه میگردد که به لیاقتشان مانند انسانهای واجد همه شرایط احترام گذاشته میشود و به فهم و شناخت احساسات طبیعی و فعالیتهای سازنده آنان کمک مینماید تا بتوانند جوابگوی حرکات و رفتار کنترل نشده بی‌مصرف و خرابکارشان گردیده و هدایتشان نمایند ، هیچ چیز دیگری را دربر نمیگیرد. وعده پادشاه و جایزه‌ها یا تهدید به تنبیهات، اگر با این روش باشد میتواند نتیجه داشته باشد .

با روش خانم مونتسوری میتوان تمام ارزشهای پرورش را در سواجه با کودکان و منافع آنان را با فعالیتهای سازنده همگام‌سورد نظر قرارداد ، پس به این روش باید تاحدی اعتقاد پیدا کرد و گرنه محتمل است که تظاهرات خوش بینانه و مستند آن بصورت

با بازگشت پرورش مونتسوری ، اگر خوب فکر کنیم به این جواب میرسیم ، چقدر عجیب و شگرف مینماید ، که توانسته‌اند این روش را که اولین انطباقش بطور قاطع و مشخص چه از نظر هدف و چه از نظر نتیجه برای موظف ساختن دسته کودکانی بود که در ساختمانهای تازه شهر رم در ابتدای این قرن زندگی میکردند ، و مساعی سازندگان ایسن آپارتمانها را که برای سکونت دادن خانواده‌های بی‌بضاعت مصروف میگردد در معرض خطر خرابی و یغماگری قرار داده بودند بطریقی سالم و سازنده اعمال گردید و به نتیجه مثبت هم رسید اینطور متهم نمایند ، « این روش خمیر مایه‌ای است از هرج و مرج و بی‌نظمی ».

این روش جزاین دو نتیجه: شناختن کودکانی که بطور کلی و اساسی خرابکارند و اگر توجه به نظم و ترتیب در کارهایشان با

افسانه مونتسوری درآمده و باعکس العمل های اغواگر، آنرا از حقیقت و واقعیت خودش دور نمایند .

با توجه به آنچه گفته شد اگر کلاس باور کنند که نمیتواند حالتی برای شناختن و فهمیدن این روش در خود ایجاد کند به این صورت که : این فقط از او است که کودک می آموزد ، از او است که کودک خوبها را یاد می گیرد و بالاخره این اوست که بایستی نهال های بدو نامناسبی که در وجود طبیعت او پدید می آید ریشه کن سازد نفوذ و اعتبارش متزلزل میشود . شکلی ساده و طرحی کلاسیک که هر مربی باید بدان متوجه بوده و از افراط و تفریط در آن برای پرورش موجود انسانی خودداری نماید .

خانم مونتسوری هرگز به مفهوم «وحشی خوب» و تباه شده به اجتماع بر نمی گردد . معتقد نبوده و بر عکس راه های تازه ای باز میکند و مسائل جدیدی القاء مینماید . و سائلی که بهترین امکانات را برای تشکیل و تشکل قوای روحی و توسعه پرورش جسمی و اجتماعی را در دسترس کودک قرار میدهد ، اوبه این مسئله اعتقادی بکر و شگفت دارد « عمل پرورشی هرگز بصورت جنگلهای عجیب و غریب در نمی آید » او برای هم آهنگ ساختن کودک با زندگی متدن حالت غیر فعال را رد میکند و به توصیه کنندگان این روش راه های عملی و هوشمندانه تری از «زدن به لنگر کودک» اضافه کاریها «تمرینات و جریمه» تذکر و نصیحت و سایر مسائل سنتی که بطور اتفاقی به نتیجه میرسد پیشنهاد میکند .

محققاً در این شرایط : اگر مربی برمسند خود تکیه زند و علوم و فنون و خردمندی و فرزانیگی را بکودک بخشش نماید بین خودش



و او کششی بوجود نمی آورد . مربی راستیوان از دیدگاه متافیزیک، موجودی برتر و مرجع نامید که جانشین و قائم مقام مربی دائمی و قائم بالذات میباشد .

بدین ترتیب خیلی آسانتر و بهتر همانند سازی بوجود می آید چه هرچیزیکه سنجیده تر باشد بهره اش بیشتر و بهتر میشود . محققاً پائین آمدن از مسند مانوس تر و خوش آیندتر است . و مهمتر اینکه بدینوسیله بهتر میتوان بر محیط و موقعیت ها مسلط و متوجه گردید .

بازدیدکننده رسمی و یا مهمی که بیازدید از کلاسهای سنتی عادت کرده است ، با ورود در کلاسهای مونتسوری و مشاهده برگردانیدن عجلوانه شاگرد جوانیکه بطرفش پیش می آید عقیده اش را با صدای بلند اعلام



کلاس، شکل مخصوص بخود وبه سربى نقش مخصوصى بخودش را واگذار مى کند . جا دارد که مخصوصاً هم آن سربى که خودش را در بين شاگردانش محو مى کند وهم آن ديگرى که خودش را مشخص مى سازد توجیه گردد . هم اين يکى و هم آن ديگرى با روش مخصوص بخودشان فعاليتهاى کودکانه را بر مى انگيزانند وانتخاب مسا بسوى مثالى از روش مونتسورى کشيده مى شود . چون اين همبستگى و محو سربى در ميان شاگردانش قابل توجه ونشاندار است ومعمولاً وازطرف افرادبزرگ «Cgrandes Personnes» که فريفته اهميت و مقام خویش اند و بدون شک با اين روش موقعيت و مقام خود را در خطر مى بينند بسيار بدتر توجیه گردیده وبدتر هم تحمل مى شود .

ميدارد : بهتر است شاگردیکه برابر با عادت از جلو آمدن احترامز نمى جويد تحت مراقبت قرارگيرد وکارها را خراب نکند يا ورقه اى که با خط درشت کلمه «ساکت» را اعلام ميدارد هميشه درمقابل چشمش قرار دهند . آيا اين جلو آمدن شاگرد مدرسه جوان بى احترامى است ؟ آيا اين حرکت نمايشگر احترامى که فقط از يک راه شروع شده و يک راه پيوسته است نيمى باشد ؟ وآيا اين جهش شاهد فهم و شعورى عادى و معمولى ولى بسيار عميق از طرف دانش آموز جوان نبوده و نمودار ارزشهاى بيشتريست نتواند باشد ؟ بايد مشخص شود که در اينجاستالى کاملاً منطبق با روش مونتسورى در نظر گرفته شده . درصورتیکه هر روش تازه اى در